

نقش کرامت ذاتی در خودسازی فردی

تابستان ۱۴۰۳

چکیده

در مقاله‌ام، من اهمیت اساسی کرامت ذاتی را در فرآیند توسعه شخصی بررسی می‌کنم. من استدلال می‌کنم که شناخت و ارج نهادن به شأن ذاتی خود برای پرورش یک احساس قوی از خود ارزشمندی، اعتماد به نفس و انعطاف‌پذیری بسیار مهم است. با تکیه بر دیدگاه‌های مختلف فلسفی و روان‌شناختی، به این می‌پردازم که چگونه آگاهی از ارزش ذاتی خود به عنوان یک

انسان به عنوان یک نیروی انگیزشی قدرتمند برای رشد و خودسازی عمل می‌کند.

از طریق تجزیه و تحلیل مثال‌های زندگی واقعی و چارچوب‌های نظری، من راه‌هایی را بررسی می‌کنم که درک خود و عزت نفس به طور پیچیده با مفهوم کرامت ذاتی مرتبط هستند. با درک و پذیرش این ایده که هر فردی دارای ارزش ذاتی است، افراد می‌توانند سفری برای توسعه شخصی را آغاز کنند که ریشه در شفقت به خود و توانمندسازی خود دارد.

علاوه بر این، من بررسی می‌کنم که چگونه به رسمیت شناختن کرامت ذاتی نه تنها رشد شخصی را تقویت می‌کند، بلکه همدلی، احترام و درک را در روابط بین‌فردی تقویت می‌کند. من با تأکید بر اهمیت احترام به کرامت ذاتی خود و دیگران، از رویکردی کل‌نگر به توسعه شخصی که بر پایه شفقت و ارزش‌های انسان‌گرا است، استدلال می‌کنم. در نهایت، مقاله من تأثیر دگرگون‌کننده شناخت و حفظ کرامت ذاتی در تعقیب شکوفایی فردی را برجسته می‌کند.

کلید واژه: ارزش‌های انسان‌گرا - کرامت ذاتی - روانشناختی

مقدمه

کرامت انسان و ارزش‌های انسانی از موضوعات محوری قرآن کریم است؛ برخی از عالمان دینی، قائل به کرامت ذاتی انسانند و او را موجودی برتر از سایر مخلوقات می‌دانند و مطلق بودن فعل کرامت در آیه ۷۰ سوره اسراء را دلیل بر

ادّعی خود می دانند. برخی دیگر، قائل به کرامت اکتسابی هستند و قابلیت های بالقوه انسان از جمله تقوا، ایمان و اعمال مثبت انسان را دلیل بر کرامت او می دانند. اما ادّعی موافقان کرامت ذاتی در ظاهر با چالش هایی مانند ارتداد، جهاد ابتدایی، نجاست مشرکین و دوگانگی اوصاف انسان روبروست. رفع این چالش ها با هدف درک اعتبار و موقعیت انسان نسبت به سایر مخلوقات است. پژوهش پیش رو با روش توصیفی تحلیلی از نوع کتابخانه ای و با اتکاء به آیات قرآن، نخست به این نتیجه دست یافته که قرآن کریم بین آزادی اندیشه و انکار دین از روی عناد، تفکیک قائل است؛ دوم: دستورات قرآن کریم در بحث جهاد، غالباً جنبه دفاعی داشته و به قیودی نظیر ایجاد فتنه، ظلم و تعدی و... مقید شده است؛ سوم: نجس دانستن مشرکین در آیه «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» هرگز به معنای نجاست ظاهری نیست؛ چراکه انسان مشرک با شرک خود، دچار یک نوع آلودگی روحی و نجاست باطنی است. چهارم: اوصاف مذمت آمیز، ناظر به برخی انسان هاست که فطرت الهی خود را نادیده انگاشته اند؛ لذا این چالش ها جنبه های عارضی وجود انسان است و نمی تواند کرامت ذاتی انسان را مخدوش نماید.

آیا حقیقت انسان چیست، آیا انسان چه هنگامی احساس خوشبختی می کند. در کجا می تواند بگوید به قله های پرشکوه هستی و آرزوهای خود دست یافته است. آیا در مسیر معینی می تواند به آرمان های سعادت آفرین خود برسد. تاریخ انسان به ما می گوید: انسان همواره در پی ناکجا آباد خوشبختی بوده و راه های بسیاری را تجربه کرده، اما همیشه موانع بیرونی و درونی فراوانی بر سر راهش قرار گرفته و او را از رسیدن به آن ناکام کرده است. گاه نمی داند که چه باید کرد، چگونه موانع را برداشت و با چه شیوه های با مانع تراشان مبارزه کرد. اما مهم این است که خواهان آگاهی است. توانایی برای مبارزه را

دارد، پیامبران بزرگ و مصلحان گرانقدری به کمک او شتابیده‌اند و راه را از چاه نشان داده و سنگ‌ها از راه او برداشته‌اند.

این آگاهندگان و راهنمایان به موازات رشد انسان و رخ نمودن موانع جدید عمل کرده و با تلاش خستگی‌ناپذیر و صادقانه انسان را یاری رسانده تا کاروان بشریت به جایی برسد که بتواند با کوله باری از دانسته‌ها و تجربه‌ها، روی پای خود بایستند.

در میان پیامبران بزرگ در فرجام نبوت آن کس بیش از همه با رسایی و شفافیت از جایگاه انسان سخن گفته، ظرفیت‌های وجودی او را نشان داده و حقوق انسانی او را یادآور شده و دفاع کرده، پیامبر اسلام و کتاب آسمانی وی قرآن کریم است. این برای مسلمانان جای بسی افتخار است، که اگر امانیسم با داعیه‌های محدود از انسان‌گرایی در سده‌های اخیر در غرب سربرآورد و شعار اصالت انسان را سر داد، در چهارده قرن پیش شخصیتی در جزیره العرب و در بطن توحش جاهلی، جنگ و خونریزی، ستم و نادانی و تحقیر انسانیت، از کرامت وجودی او سخن گفت و او را به ارزش‌های والاتر از آنچه خود می‌شناخت و در نهاد او نهفته بود فراخواند و راه‌های رسیدن به کمال و آرمان‌های سعادت آفرین نشان داد و از انسان‌گرایی و اصالت انسان به ابعاد خاصی تأکید نکرد، بلکه همه جنبه‌های وجودی او را نشان داد.

شگفت آنکه راه‌های او تنها به روش‌های درونی و خودسازی بسنده نمی‌شدند. کامیابی انسان را در این نمی‌دانست که نفس خود را آزاد کند، او به خوبی می‌دانست که موفقیت انسان و رسیدن به آرزوهای حقیقی از درون و بیرون انجام گرفتنی است.

در سال های اخیر، علاقه فزاینده ای به نقش کرامت ذاتی در رشد شخصی وجود داشته است. مفهوم کرامت ذاتی که ریشه در حقوق بشر و اخلاق دارد، ارزش و ارزش ذاتی هر فرد را بدون توجه به پیشینه یا شرایط او تصدیق می کند. این ایده پیامدهای مهمی برای رشد شخصی، عزت نفس و رفاه کلی دارد. به این ترتیب، این تحقیق با هدف بررسی رابطه بین کرامت ذاتی و پیشرفت شخصی، روشن کردن راه هایی است که از طریق آن شناخت و حفظ کرامت فرد می تواند به زندگی رضایت بخش تر و معنادارتر کمک کند.

مفهوم کرامت ذاتی منشأ خود را در اسناد بین المللی حقوق بشر مختلف مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دارد. این اسناد بر این اصل اساسی تأکید می کند که همه افراد صرفاً به واسطه انسان بودن از حقوق و آزادی های خاصی برخوردار هستند. محور این مفهوم این ایده است که هر فرد دارای ارزش ذاتی است که باید مورد احترام و محافظت قرار گیرد.

در زمینه رشد شخصی، شناخت و ارج نهادن به کرامت ذاتی خود می تواند تأثیرات عمیقی بر ادراک و رفتار فرد از خود داشته باشد. هنگامی که افراد احساس می کنند به خاطر آنچه هستند ارزش و احترام دارند، به احتمال زیاد احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس را در خود پرورش می دهند. این، به نوبه خود، می تواند آنها را برای پیگیری اهداف خود، مقابله با چالش های جدید، و عبور از فراز و نشیب های زندگی با انعطاف پذیری و مهربانی توانمند کند.

علاوه بر این، حفظ شأن و منزلت دیگران نیز می تواند نقش مهمی در رشد شخصی داشته باشد. با احترام و شفقت با اطرافیان خود، نه تنها روابط مثبت را تقویت می کنیم، بلکه حس همدلی و اخلاق خود را نیز تقویت می کنیم. این ارتباط

پیامبر(ص) و ائمه(ع) در تعیین مجازاتها شرایط مختلف فردی و اجتماعی را در نظر می گرفته اند. حتی در اجرای حدود نیز روایاتی وجود دارند که نشان می دهند این شرایط و اهداف مد نظر بوده اند و در موارد لازم حتی از اجرای حدود صرفنظر می شده است. در جامعه امروز که کاملاً با عربستان در زمان صدر اسلام متفاوت است و خشونت به شدت تقبیح می شود، مجازات بدنی خود نوعی خشونت محسوب می شود که نه تنها مجرم را اصلاح نمی کند بلکه موجب تحقیر و ترذیل او می شود.

امروزه در عهدنامه های بین المللی و نیز در قوانین داخلی بسیاری از کشورها، مجازاتهای بدنی ممنوع شده و شکنجه محسوب می شود. به دلیل حفظ حرمت و حیثیت انسانی است که امروزه مجازاتهای غیرانسانی و ظالمانه و تحقیر کننده، طرفداران خود را در میان علاقه مندان به عدالت کیفری از دست داده است. و سازمان ملل به نمایندگی از افکار بشردوستانه جهانی و برآیند وجدان جمعی بشر در اصل ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر-۱۹۴۸- و ماده ۷ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی - ۱۹۶۶ - و ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه و مجازاتهای ظالمانه و تحقیرکننده -۱۹۸۴- چنین اقداماتی را ممنوع شمرده و دولتها و ملتها را به مقابله با اینگونه اقدامات فراخوانده است.^{۲۰} علاوه براین اسناد بین المللی جهانی، در بسیاری از عهدنامه های منطقه ای و نیز قوانین داخلی کشورها نیز شکنجه و مجازاتهای بدنی ممنوع اعلام شده است. به این ترتیب، به نظر می رسد که عرف و مقتضیات زمان حاضر، اعمال تنبیهات بدنی را حتی با عنوان مجازات، برنمی تابد و این کار را هتک کرامت انسانی می داند. در نتیجه برای رسیدن به هدف شارع مقدس که همانا جلب مصلحت برای فرد و جامعه

^{۲۰} (رحیمی نژاد، دکتر اسمعیل؛ ۱۳۷۸، ص ۱۰۶ و ۱۰۷)

است باید از اعمال چنین مجازاتهایی تحت هر عنوانی صرفنظر گردد.

نتیجه گیری

در نتیجه، مفهوم کرامت ذاتی نقش مهمی در شکلدهی به رشد فردی دارد. با شناخت و ارج نهادن به ارزش و حقوق ذاتی خود به عنوان یک انسان، افراد برای پیگیری اهداف خود، غلبه بر چالش ها و تلاش برای بهبود خود توانمند می شوند. پذیرفتن کرامت ذاتی باعث ایجاد احترام به خود، انعطاف پذیری و

احساس هدف می شود که برای رشد و تحقق شخصی ضروری است. در نهایت، با ارج نهادن به کرامت خود و احترام به کرامت دیگران، می‌توانیم جامعه‌ای دلسوزتر و فراگیرتر ایجاد کنیم که در آن همه فرصت شکوفایی و دستیابی به پتانسیل کامل خود را داشته باشند.

همینطور در بخش نقش کرامت ذاتی و فردی در جرم انگاری نیز به این نتیجه رسیدیم که انسان در اسلام دارای جایگاه ویژه‌ای است. مخلوق برتر خداوند است. خداوند با علم به اینکه انسان در زمین جنایت خواهد کرد، او را چنان کرامتی عطا کرد که ملائک ناگزیر از سجده بر او شدند. حضرت آدم در بهشت برین از فرمان خداوند سرپیچی کرد و میوه ممنوعه را چید. با این وجود کرامت انسانی از او سلب نشد. پس همه انسانها حتی مجرمین نیز دارای کرامت انسانی هستند.

مجرمین مستحق مجازات هستند. اسلام برای حفظ مصلحت جامعه و افراد، نظام کیفری را به رسمیت شناخته است. اما هدف از کیفر هرگز انتقام یا تحقیر و ترذیل نیست؛ بلکه رحمت و اصلاح مجرم است. مجازات نباید کرامت انسان را خدشه دار کند.

اینکه چه مجازاتی کرامت انسان را خدشه دار می کند، مساله‌ای مربوط به عرف است. در عرف زمان صدر اسلام، مجازات بدنی تناقضی با کرامت انسان نداشت چرا که رفتار روزمره مردم با یکدیگر سرشار از اینگونه رفتارها بود. اما در شرایط امروز ما که جوامع هر نوع خشونت را تقبیح می کنند، مجازات بدنی نه تنها با کرامت انسان سازگار نیست بلکه مصلحت جامعه اسلامی را هم به خطر می اندازد. زیرا موجب وهن اسلام و مسلمین می شود. وقتی اسلام دین رحمت است و حتی مجازاتش هم از باب رحمت است، چرا باید با اصرار بر اجرای مجازاتهای خشن که در اسلام موضوعیتی ندارد و حتی ائمه در حد امکان

از اجرای آن سرباز میزدند، بهانه ای به دست دشمنان اسلام بدهیم تا اسلام را دین خشونت معرفی کنند؟

خلاصه آنکه اسلام دین رحمت است و بیشتر از هر مکتبی برای انسان ارزش و کرامت قائل است. اسلام دینی است که اگر به درستی اجرا شود در همه زمانه و مکانها قابل اجراست. اسلام واقعی سرشار از جاذبه است و با خشونت مخالف است. عملکرد ما باید به گونه ای باشد که اسلام را با جاذبه هایش اجرا کنیم. مجازات بدنی در شرایط امروزی با کرامت انسان منافات دارد. موجب وهن اسلام و جوامع اسلامی می شود، مجرم را تحقیر می کند و اثر اصلاح کننده ای ندارد. بدین لحاظ، لزومی بر اجرای مجازاتهای بدنی وجود ندارد.

- فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱
- رحیمی نژاد، اسماعیل، (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه
- نوبهار، رحیم، (۱۳۸۰)، به سوی مجازات های هرچه انسانی تر؛ در مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها؛ قم، دانشگاه مفید.
- نهج البلاغه
- قرآن کریم
- مقاله ی کرامت ذاتی انسان در قرآن و چالش های فراروی آن/ نویسندگان: داوود سلمان پور/ مهدی مهریزی/ سید محمدعلی ایازی
- مقاله ی کرامت نفس چه نقشی در تربیت انسان دارد؟ / روزنامه فرهیختگان
- مقاله ی تطبیق کرامت ذاتی و اکتسابی انسان در قرآن و عهدین/ نویسنده: پاکیزه محمود
- مقاله ی کرامت نفس چه نقشی در تربیت انسان دارد؟/ نویسنده: زینب حریزاوی